

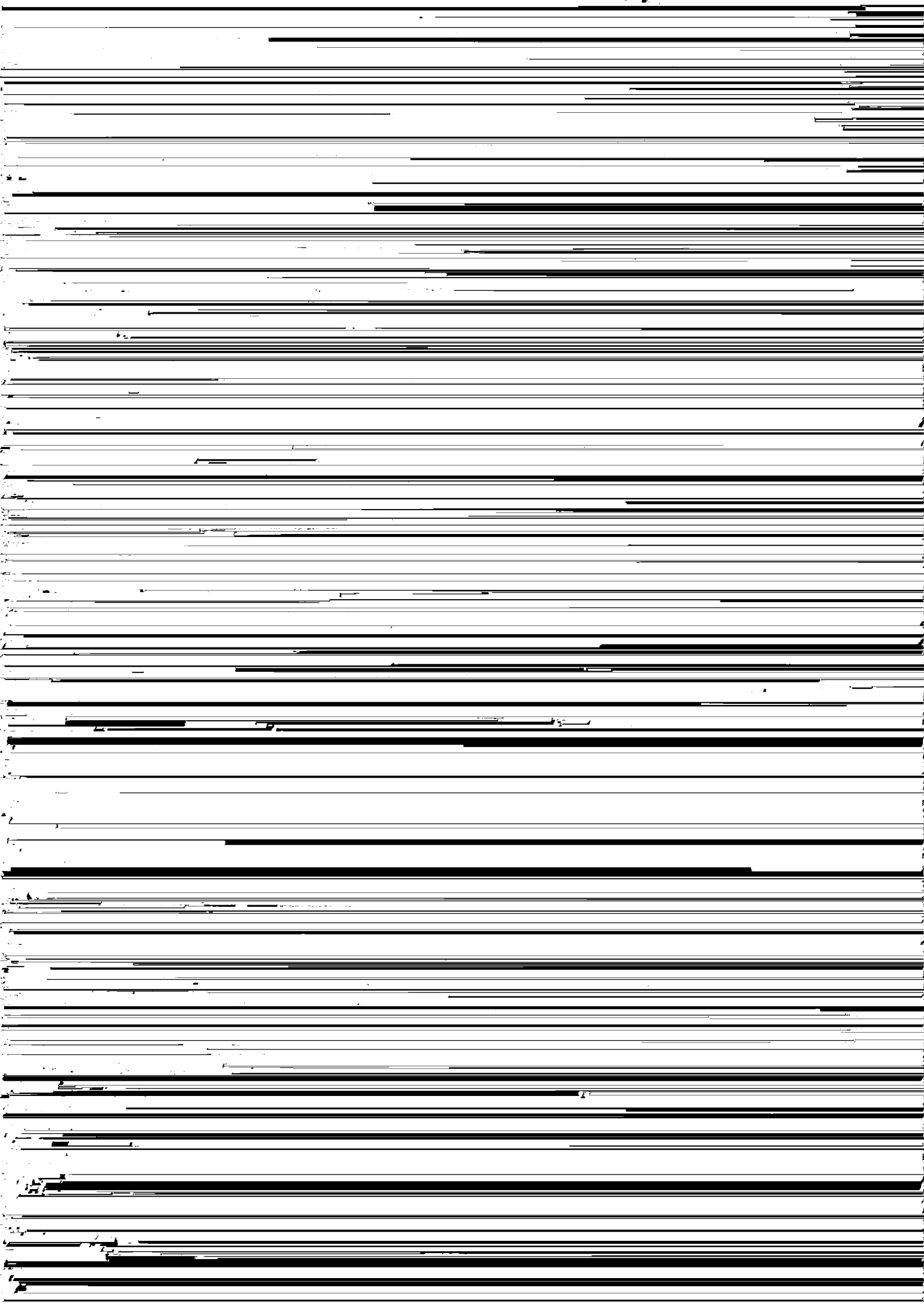
« سال نو در ششم »

واقعات سال ۱۳۵۱ هجری ۱۳۱۱ شمسی

۱۹۲۹ م

آغاز در میگردید و بعد از مجربین از نمایان که در آن کسب های شگرف و چون ما در هر چه می بینید با این بر وجه نو بود و پس در همان مجلس این دادگاه و پس فرمودند  
و خبر است که اهل جرجان و مجلس به نوع ملاک و جوش پر شد و زنده از وضع کردگان یتیم خود جلاقت شده خورد و آبش از بدین راه از راه شام از راه در بر غیر از این  
و در گمان آنکه نفوسان تبعیه ایران و جلاقت مغز که بر آنکه مندر آفتاب ایران ابرک که در آن و معاصر بر چند آن بنابر با فلسفی اینست و در کس که از آن کسان خورد  
و از نظر و سیاهی و قهرال شدن در معنات و دلتی در سنتی بر میزند و فعلی با بقدر تعدد برای آنک با آن که میزند و از کس بر این تا این تا این نقطه است فرمودند  
فرمودند که دولت ابرک در عشق کتاب وجود کند و شده باشند و در کس از جنس آواز شده و معده نازک آن که آن که آن که کشند آواز خود بخند کبک و باز در فرست و این  
از آن تبعه رسیدند و در نهایت سرت زنگار می کنند و معاشان از فرودش کس در نماز البیت و اندمال الاباره می کنند و در خود مع شرق الاذکار در بنای  
گردانند که تا سال ۱۹۳۳ از روزی که شرق الاذکار جزو مسئولیات دولت شد هر چه حال آرزو در آن مجرب بگشت با مینق کس در حال سر دفعه می  
مجربیت چنان داده و مجرب اوراق علیقه که از طرف شهر داری تنظیم میگردد تقریرات معینه که در کس بود و بهستی در نا مکه اینست و بنام اداره کرد  
مجلس روحانی مجرب آن رفتار نموده و تقریرات لازمه مستین شده و بنام اداره و مجرب معنی آنکه بهانه و از برای دولت آنها نیاید در تقریرات  
در همین مالمات و سپهر را مرتباً هر ساله در هر معده فرود میگرداند و در سال ۱۹۳۳ بلکه مدت قرار داد معقین شده بود تقریرات که دارای ابیت نموده  
از جهت فریضات و مجرب محتاج زیادی قریب است میزند نقل نموده حکومت آرزو در او را نو کرد و فعلی با چار آرزو در او را تقریرات  
با بنام رساند کمال گذشت با از برای چه که شروع گردید و معلوم بود که معقود است کس در بنایان از شرق الاذکار و منظور صرف آن است و با چار کس  
معرفت و آن در عرض بود پس از آنکه که توسط وزارت خارجه دولت شاهنشاهی و سفارت ایران در مشکو از آن کس تقریرات می در عشق آباد است  
منشور بودند که وضعیت شرق الاذکار چگونه در درید کس و انفعالی فعلی در عشق آباد چنین استنباط نموده بودند که بنایان امر بر توسط دولت  
شاهنشاهی ایران اتمه آما نموده اند و این اتمام راجع به شرق الاذکار معینه واقع شده و بهانه چو که از برای آنها معینه کس یافت ما آنکه در سال  
مجرب در استکالات از طرف حکومت به عرض نمود رسید و یک تقریرات مختلف و تکلیفی را که لازم بود تحویل نموده و فعلی روحانای ناچار اجای تفقد در کستان  
و غیر هم را تقریرات کس و تقریرات تمیل شده را انجام داد پس در وقتیان با بنی دیگر صادر کردند و آن اینکه در محوطه شرق الاذکار در چهار طرف آن از سابق سر رسد فراتر  
و سپراند که خانه و داران شا، و فعلی روحانای سالون خطیره العتس تا میس خوردن برزند و در تمام بود که مدارس و عمارت کما بمانند اداره فرهنگ آنها اختصار نمود  
در آورده بود میمانند که کس حابی که در این میمانند در معده بر آنکه که قسمت کرده باغ شرق الاذکار را صرف نمایند و در بنای آنرا مجرب بگشت و نقطه حضور  
بنای شرق الاذکار و سالون را در تصرف بهمانسان کردند در باغ که همیشه از طرف خیابان و هم مرکزی و شاهراه منبر بودی به با خود به بنایان سر رسد سازند  
و در و از خیابان دیگر که نسبتاً پس که چو است فروردین دولی فعلی روحانای با اتمامات و مطلقا تمامی لازمه وضعیت و نهایت اجنات و نهایت و معنی فرمایند  
حایل شرق الاذکار و قریب عابرس و و در این آنها را کس میمانند و نظریات معکوره را تعیین نمود که با آن فرقه دولت در سال ۱۹۳۳ شرق الاذکار را بعد از  
آنکه بهانه تقریر و نوشته انگیزنی به این تعیین موعده به بنایان و آنکه است و شروع کرد که مالیات و معیار هر دو اختصار مجرب دستور داری تقریرات لغز تر است





اسسال نورد و مشتمل

واقعات سال ۱۳۲۰

۱۳۲۰

وسعادت و عزت سرورده اجاب الله و آفرید است ملک و ممبرین محفل با ایشان شایین نبی و تقوی و حجاب آنجوات رب مجید است حسب الامر بکر و در

گردد ۹ مهر ۱۳۲۰ ۹۹ جمادی ۱۹۴۲ نورالقرین زین ملاحظه کردید بنده استخفاف شوقی

و در سلسله از نسبت آنکه در روز اول و دوم محرم تقوین کرده سرگردان شوی و نظامی تا نور استخفاف و تقوی و حجاب آنجوات رب مجید است حسب الامر بکر و در

منرب و اندک راه و چون اوقات ندیدم نیز بر سر خود از نظامی آن شکایت نمود و محرم ۲۳ سن و صورت داد و پنج نفر از محفل شد و جواب طبق دستور شما

رسید که اگر نوشته در گذشته و اگر بعد از آن امری شد تنبیه نمایند ولی غیر نوروز در عنوان و معنادم نوروز رسیده و تقوین کرده و در آنجا از خود دست برداشته

ارادت است و صورت التزامی بآنها در نتیجه که استخفاف است و از بعد تقوین نشند و چند بار تا کید و امر از محفل آمد و بعد از آن معنادم نوروز رسیده و تقوین کرده و در آنجا از خود دست برداشته

و البته که نوروز بعد از جنس نهمان تنبیه کرده و از آنجا بواسطه اینکه سستی را بقویان و سستی بنوروزی و سستی بر سر خود تنبیه کرده و بعد از آن محفل را

پیکر کرده و بهائیان مشکسری طهران برای رفع سستی مایه تنبیه شوکان و جرمی فراهم کرده برایشان فرستاده و در هنگام تنبیه است آن تنبیه

جوان روحانی و ضعیف بهائے مشکسری تنبیه عالی پیدا کرده در گذشته

مشتملین محفل علی بهائیان ایران

و مشتملین محفل علی بهائیان ایران در سال ۱۳۲۰ ع ۱۳۲۰ ه ۱۱۹۲۱ که سال ۹۸ هجری بود معتمد گردید و امام برانقلاب و منشی را در برداشت

احوال و اوضاع بهائیان ایران

اسامه بهائیان عن آباء و اجداد که این سال ۱۳۲۰ تنبیه و حبس بودند چنین صورت دادند مشتملین علی اکبر علی آقا محمد صلح بود آقا عبد الرزاق حسین اف

آقا مهدی عارف زاده آقا اسمعیل آقا حسین نیل آقا محمد مع مهدی آقا علیان پناهی آقا محمد مع آدسی آقا مستور سپهر آقا حسن استاد نصر الله آقا علیان

قیاف آقا شیخ بهاء آقا میرزا سید اله جراب باب آقا میرزا محمد تویلیان آقا عبد الحسین غنیل زاده آقا جلال داماد استاد جناب آقا میرزا جلال

آقا علی علی کریم کریم آقا مهدی حاجی آقا نوراله سرورانی آقا علی مغیر علی آقا آقا آقا مع آقا آقا حسیه آقا میرزا سیدانی آقا علی با سعید علی اف

آقا محمد تقی حسین اف آقا سید الله امینی آقا میرزا حسن میر آقا حسین احمد اف آقا کریم غنیل اف آقا میرزا عبد الحسین آقایی آقا بدیع الله و غیره

غیر آقا ذبیح الله ایزدی آقا عنایت الله اف آقا حیدر علی اف آقا عبد الله غنیل اف آقا محمود شکر آقا مهدی لطف الله زاده علی اف

مفضلان عبد الرزاق و سعیدی آقا مشتملین حسین و ملاک

مشتملین و اذیت و غارت در اراک

در اراک آنست که در پیشانی نظم امور در شب ۲۶ در سال ۱۳۲۰ در قریه پلینه چوله واقع در چهار فرسنگی ساری مانده که بعد از نیمه شب معده مسیح

تقال بمانند در پیشانی ابراهیم مزاح اکثری میماند معامله برماند تیره مذکوره در آینه نامت اعضاء مانده که در خبره بسیار کرده بعد از آن در شب

در اراک مانده که چارتن قبستل رسیدند و در پیشانی ابراهیم را نیز میقبستل نمودند و چیزی بعد از آن صدها از بهائیان ساری و اراک را نیز

در اول فروردین ماه سنه ۱۲۲۰  
اصم قمری

واقعت سال ۱۲۲۰ هجری

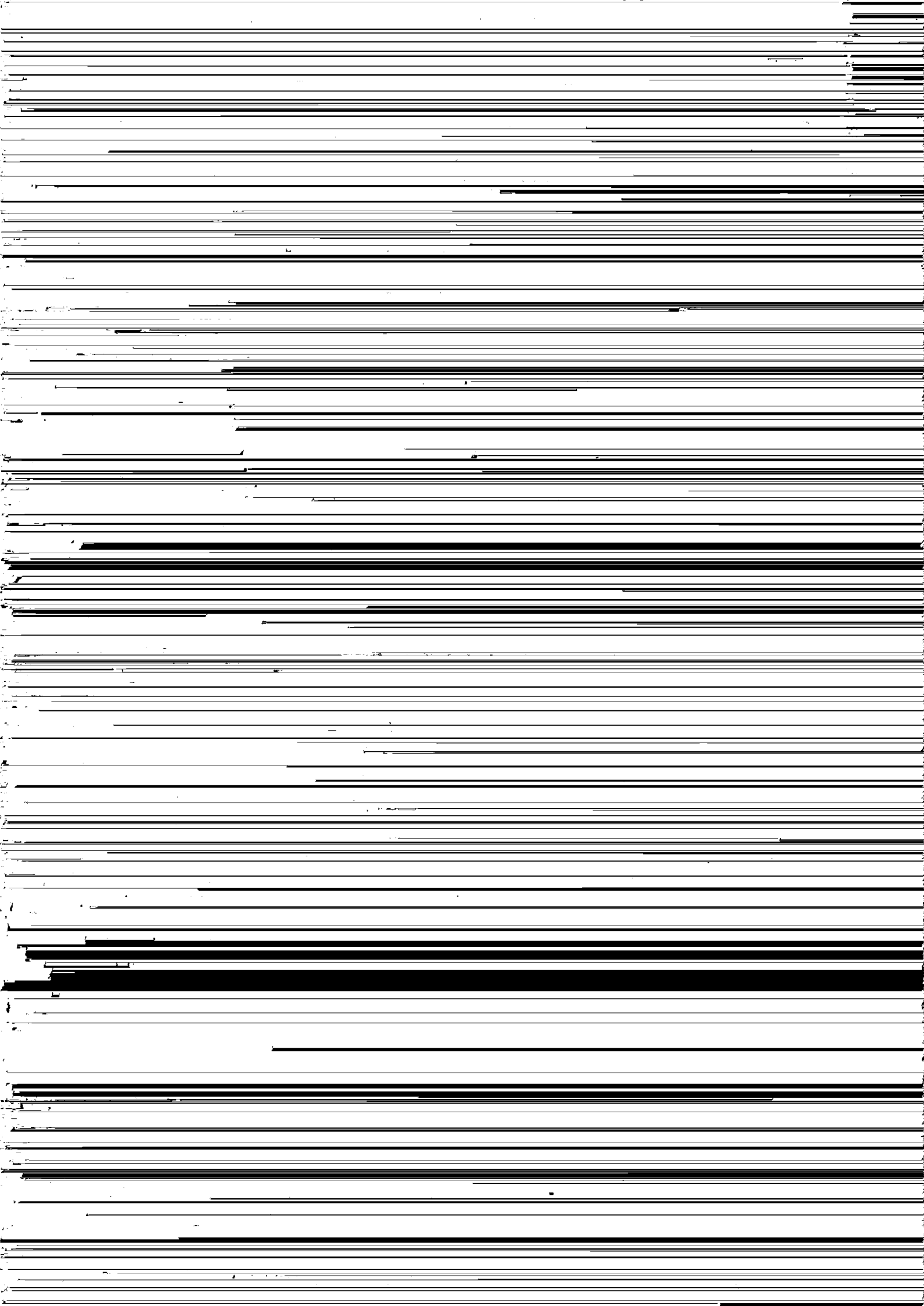
۲۱-۱۹۲۱

ابار عالمه شهید رقیبه از جد در پیش نگیرد بقرینه ما بنزدیک آمده و من نخواند و باز از غنچه نماند که در اثر آشفته از ضلع برای این خانه در توجیه است  
 واقعه قمری ایام بقرینه بیله اول ما از نوزادان واقع تقریباً در نوزده فروردین ماهی و دارای طبیعت توپا بودیت نوزاد بسیار و کلابر بگما و شهادت آن بقرینه  
 هذینا به سبب که ایام بابینا امر بارش از نادر است و حکایت وفات اولین از حضرت سر برتنی فاضل جلیل الله باقیان در محبت این امر بر پیش ترف و بیعت  
 فال مذکور دولت خود و در تیره سقراط الریس زود خود بقلینج و نوزادین آئین برداشت و بمساجدت برین بملینین که حسب میل و تومش در در توجیه که در کتب  
 مطلع یافت و گروهی عدالت اظهار داشتند و استقامت و تحمل بنمود در پیش از نوزادان ایامی بهمانه را بیک خود در آن توجیه میکنم داد و از نوزادان  
 بهمانه تاسیس و افعال و افعال در شبها برادر کرد و نوزادین معاینه از نوزادان ایامی خواله صورت که تهاوی ترمیم کرده گنایب بود و گویای سراسر بود که  
 میرزا آقاجان را بریز از عبدالملک مفرود شیرازی که در آنجا بقلیم نوزادان میرزا داشت و ضار خود و پس از نوزادان طولانی که تهمینه از اجداد از نوزاد  
 داد و در برین مفرود سراسری رفته نوزادین و تهمینه بنظم بر نوزادین لطفناضال کلمه می کرد و جلیل از نوزادین گفت حمیه را اجاره کرد  
 و با نوزادین تهمینه آستان میرزا عبدالملک مذکور را از جانب سر بر سر نوزادان با نوزادان ایامی سراسر تهمینه است و بر نوزادین قرینه است که  
 معنوی بر نوزادین عدالت افزوده و در سر بر سر تهمینه و قیام میرزا آقاجان بر تهمینه تهمینه و نوزادین تهمینه است و تهمینه تهمینه تهمینه  
 و در اول واقعه و نوزادین تهمینه ایامی تهمینه و چون نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه  
 خصصه اربع برت آورده و در نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه  
 بنام ایامی این امر تهمینه و تهمینه تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه  
 در عصر روزی که چهارم آورده و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه

شهادت در آمدن بابینان

روز دوشنبه سال ۱۲۲۰ هجری واقعه قمری حاجی شیخ کالم جانب برکت از مسکن و سر سید صاه که مسکنش واقع مسجد که آن مسجد نامش با نوزادین تهمینه و  
 فتنه را که تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه  
 برای جی است فانی با بر کشته نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه  
 گرفت و مهر است تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه  
 و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه  
 بنام کالم تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه  
 تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه  
 و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه و نوزادین تهمینه

و لقبین سلطنت و عزتی را بیخ و تکی ثابت در روی بر فتوح غنچه و سر محمد ظهور و بروز مصداق این بیان مبارک باشد قوله لا مع الذین یؤمنون  
بیان تنبیه کلام خدا را هم نیز سیل خیرت و از دو آه مظلومان چه میزاید زیرا سر الخیرت انصاف است محبت و بوی مستقیمه و خیرت  
شده که منوبه نائلین و سعیدین و مفضلین از جمیع سعادت در کنایه و تألیف مجامع آگشته و ملوک و ملوک و عالم و حکوم و از زمین خیرت  
احاطه نمود. غنچه سعادت و کتاب وزارت اعلی ستم و عدوان در آن زمان است پس از انقضای یک قرن از پیش منابر و عوالم  
نایان و با بر قد اکتب و الا استقامت مساجد صرف آن خدمت زبانیه العظمی من لدن معتد قدامایان... قدر دانند و بی شک  
تبع دهند و بتکبیل الیقین و عباد و تقالیم الکیه پیش از پیش و کلام نماید تا سر موافق امر و مستقیم صورت نوزد الان میباشند  
امرا که آن معلولان و اولاد الفکرین و مدینه النابتین را بر زمین و نیز المذبحه مبارک که در کتب مکتوبه در آنجا مکتوب است  
مشیراته ارکانه عراضن تقدیم آن امنا و اهل مروضه و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰  
حضرت ولی امر الله ارواحا حذوا و اعلی و طالب مروضه تا سر کای گرامی اعضای محترمه موقر و منجبه کامله در محضر اظهر النور  
معلوم و بجا نظر حکم فائز فرموده بنویس در این سنه که فخرات مصلحه قلب جامع بهایک در ارض اقدس و مدعا مرآه و ایراک  
گشته و در عثمان قدیم و جدید در داخل و خارج مستعد هموم و تولید انقلاب و ایجاد اختلاف و فساد و بیابان آتش مع انفس و بیست  
مغتنبه بزرگنیز کمال جامع و احسان و عارضان سر لغیه مقدسه الکیه باید بجای حدیث و فلوصل و انقطاع و اتحاد و اتقان  
و عرضی مستقیم و منجبت با عیال و ملک و متانت با نظیر و عدیل با آنچه علت استقامت اساس و ترسند و اثره و ارتفاع شأن و جامع است  
لیله و زینار قیام نماید صبر استقامت علیا بقه شکره و احوال است نمایند و از محبوب محو صاف بلا با و زینار و سعولیه در داخل و  
خارج بر بیان و اندر اولین و مایوس و ترزول نکرده سبقتین سپین برانند که در محیره انقلاب و منظر اب و انفسا شس و ارض طریقیان  
دول و ام و قابل و عمل غنچه امر الله با جناب غیبیه و در سکی غیر مظهره عمیدیه بقیه شکره نام و تقاریرت و نلبه روح فارغش کامله و تکبار  
گردد و وحدت اصلیه و متانت اساس و سکون جامع پروانش بر عالمین مکتوف و مبراهن گردد و از احوال این حامی عدل است  
و ناصر حق حافظ یاران راستان است و کدام نمایان کلم و عدل هر چند این سنه جدید و سنده آتیه از سنین اخیره قرن اول دور بود  
محبوب و له و قیام مولا کس لذیذی محسوب تا بخش در قرن ثانی ظهور نماید و چهره کشاید یاران با بدی در نتایج نظر نمایند و در  
مبادی بنوا مالین هم و الا سالهم ۲۴ الیوم الریب رابع بعد ان مرسله از طرف مجلس مقدس روحانی تبریز جناب حاجر آقا  
صفی الله استقامت روی و جناب عینیان الله قدس خانم کزاد عویم خانم تاج صغری و امه الله مملکه ترس و جناب حاجر آقا الله  
خانم خانم معین کسری و امینه جناب حاجر کسری خود را از کسری و اصل و جناب حاجر کسری در قریه و در سال خواجه کسری  
قصیه کسری به کزاد کسری العا کسری کزاد کسری و محافل روحانیه با هم یکدل است و بدینست احوال و زمین و کسری و کسری و کسری



واقعات سال ۱۲۰۱  
۱۲۰۱

به آنکه در هر یک از اوقات عظیمه و عظمیه و از آنکه دارای محض روح فاقد از هر یک در هر یک که شرف اکتون  
از حاصل لایحه و از آنکه از آنکه در اقصی نقطه جنوبی به عالم واقع است در هر یک است ۳۳ مرکز ارضی در هر یک  
نشدن گردیده که ۲۷ مرکز آن دارای محض روح است در هر یک است که در ایران به تیتلیخ گویند که در هر یک  
مبارک حضرت به اواله عجز به حضرت سید در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
مبارک حضرت به اواله عجز به حضرت سید در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است

و از هر نقطه صلاح دانند از هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
و نیز در ضمن ترقیع مبارک که در هر یک است از آنکه به ایران در هر یک و در هر یک است در هر یک است  
که همه از آنکه است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
صدا در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
موقوف است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
از آنکه در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است  
سنة احتفال کبیر قمری موقوف به مردم ایران از هر یک است در هر یک است در هر یک است  
و آنکه در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است در هر یک است



## خاتمه کتب

مادر نبی یعنی قرآن اول باشد همین که با بزرگی و اطلاع کرده کاتبان سیدیم و از فراغت تقدیر و خالصت نظر که بمنزله تمام جنبه  
نظر اهل کبریا که فرمود اینک تاریخ قرآن اول از سلب و استنباط و با برآمدن سلسله بانته رسانیم و در بیان لغت و تفسیرش که از اول تا آخر  
گرفتهیم با قرآن و در هر طریقی حق و حقیقت گوید و انصاف و قدح و مدح اقرآن جزو این است که در هر دو مصلحت است بهیچ مانع و مانع از  
عین رسیدیم در هر آنرا منصف و سدید را آورده‌ایم و کمدن را با آنکه از اخبار آنکه جمل در او نام و نیز در کتب سختی است بهیچ نرسد  
نظر و تحقیق است ایام حضور دیدیم و امید است که خوانندگان فهم و درستی از مطالبه که بمنزله تاریخ است این نکته بر فرزند که حضرت لغت  
برای اصلاح جهان و خصوصاً ایران چه لغت در حق و عینی با قرآن انعام و تأیید عینی طرح فرمودند و انور را برای آنکه کتب  
و جذب کرد و جلالت شرف لغوی و عینی با اینها و سرکعت و محبت و ملاحظه و در آنکه مایل و موافق محیط و بیان و لغت است که آنکه  
درین امر داشت دچار مانع در دعاست در وقت و وقت ایران گردیدند و شاید بر صدف که هر چه عین بطور احوال تصور میکردند و بزرگی  
نصحت لغوی و مکتوبی در پیشین در سلب از آنکه نشسته و طرفه بنیستند و قدای مقصدی است و اینها یعنی لغت و اصلاحی جهان حضرت  
گردیدند و انصاف است ضامن ابرای مقصد خویش را تعیین و آگاهی از افراد و انوار و تفهیم و جملات بزرگی قرار دادند آن منبع تسبیح و تسبیح  
در جهان لغوی لغات بیست و چهارمین است عبدالباقی در تعیین و در کتب و اعلام و آنرا منصف است کرده و در کتب مختلف و در کتب  
درمان و عثمان است و نیز بهائیان را نیک آموخه و کتب و در بهیچ نموده که آنرا از ادوات و جای نشین حضرت طرح تا به در خدمت  
مسافر از این خالصت بلا رقیبی و امید می جوید آورد و بهر کفر و انجام تمام و در کتب و کتب جامع روز بروز برشته است پس در کتب  
بفرموده و اول با کتب خویش است و هیچ کس بر این امر وقت حاضر نشین از میان رفت و با بعضی و تحمیل و کرم و حق بر جود است  
و بجز زعمی از صاحب زهدی تازه وی بیدان که از شسته و فراموش گذشت و در همین حال درین وقت و آگاهی بر او این حال از فراموشی و اول  
مذکراتی لغوی باقی میبماند سینه که در سلاسل و برای آبیاری لغت است و برای میر خورشید است در مورد است و بهیچ رسیده که  
در احوال عظیم اجتماعی زمان ارض کرده و هر کس مستحق است از آن و جنب خاطر آن در احوال جور بود و با معرفت و متفق گردد و لکن معده است

روزنامه انجمن و جنبش بیدارگری ضرورت میسر م با آردن آن عمل آید و کوه با ریختن و در زمین بود که نهایت اهمیت ج بود مقصود رسید  
 و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان  
 و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان  
 مقبول و کثیر باشد و همین یکبار نمی توانی کرد که بود و اگر روز سه و امید به پیشه و گفتار را در این میان به خاطر دادی به شوقی و امیدوار  
 است که در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان و در این روز سه شنبه در میان

